

وصف نفل و عمل و صلاح و عبادت او یفرمود و سید مصطفی تفریق در رجال خود ذکر و  
 وصف او باین عبارت فرموده سیدنا الطاهر کثیر العلم عظیم العلم متکلم فقیه  
 ثقتة عین کان مولده فی تفریش و تحصیل فی مشهدا لرضا علیه السلام  
 و البیرو من سکان عتبه جده بالمشهد المقدس الغروی علی مشرف السام حسن الخلیف سهل الخلیفه بن العریکه  
 الصلحا و العلماء و الانقیاد له شیخا علی المختلف شرح الاثنی عشر الی اثنی عشر و موت روایت حدیث است  
 شیخ محمد بن حسن بن شهید ثانی عالمی و مشتمه و از تلامذه ایزده و نه ما میر شهید الدین علی بن حجر القزینی  
 شوشتانی نجفی بوده شیخ علی بن محمد الحر العاملی المشغوری از فاضل زمان  
 و ادبای او ان خود بود از تلامذه شیخ حسن بن شهید ثانی و علامه سید محمد صاحب الدار  
 بوده شیخ در عالمی و رامل آورده که شیخ علی مزبور چه مؤلف این کتاب است فاضل عالم  
 و عابد کریم الاخلاق طلیل القدر عظیم الشان و شاعر و ادیب و فقهی بود وزارت علوم پیش  
 شیخ حسن و سید محمد جمعا الله و غیره ما فرموده و بواسطه والد خود از شیخ علی موصوف روایت  
 و ابرم و او شعر خرب داشت این وقت بخاطرم پیزه از آن ماند در نجف اشرف مسوفا  
 وفات او شد الشیخ عبدالسلام بن محمد الحر العاملی المشغوری  
 والد شیخ حر بود چنانچه در رامل امل آورده الشیخ عبدالسلام بن محمد الحر العاملی الشیخ  
 عم والدی لهذا کتاب و حله لامه و گفته که شیخ مزبور عالم عظیم الشان طلیل القدر  
 و زاهد و عابد ورع و فقیه و محدث و لقبه بود نظیر خودنداشت در عصر خود و زهد و عبادت  
 تحصیل علوم پیش والد ماجد خود و برادر خود شیخ علی و شیخ حسن بن شهید ثانی عالمی فرموده  
 و هم نجاست سید محمد بن ابی الحسن عالمی و غیر هم استفاده علوم و فنون فرموده از تصانیف  
 او رساله است موسوم بصف بعیر الی طریق الجمع بین اخبار التفسیر و رساله در مقدمات  
 و رساله در جمیع و غیر ذلک سن الرسائل و الفوائد المفردة بالجملة شیخ مذکور در فقه و عربیت  
 ما هر بود صاحب امل گوید که غنیمه ام سن پیش و در زمانیکه عمرم ده سال بود و لغایت بیست

شیخ محمد بن حسن بن شهید ثانی

عبدالسلام بن محمد الحر العاملی  
والد الشیخ

تقریر و حافظ مسائل و نکات بود و در آن زمان سخن شریفش بهشتا و سال رسیده بود و بیست  
از چشم او کم شده بود و شیخ مذکور در همان ایام حفظ قرآن مجید فرموده تا اینکه عمر شریفش زیاده  
از نود و سال گذشته بود که وفات یافت شیخ حر عالی آورده که روز وفات شیخ عبد السلام فرمود  
قصیده طویله در مرثیه او گفته ام و اینجا اشعار خود را ذکر فرموده و گفته که اشعار شیخ مذکور  
انچه والد من نقل سفید بود اشعار قلیل اند که محفوظ ندارم و بواسطه شیخ مذکور از جمله  
مشایخ او روایت دارم السید محمد باقر بن الامیر شمس الدین محمد الحسینی  
الاسترآبادی الملقب باماد و خترزاده شیخ علی بن عبد العالی که بود چون پدرش همین  
جهت معروف بداماد بود او معروف بسید باقر و اما در است جمع شرافت و جزاقت و مع  
کلام و حکمت و حامی دین و ملت و عادی فتنه و شریعت بود کافه عقلای ذوی الافهام از  
خاص و عام معترف علوم و کمالات و وقایح و افادات او نیکو تصانیف او مشتمل بر تحقیقات  
دقیقه و ندقیقات امیقه مشهور و معروف است صاحب لور لوده البحرین آورده که جناب  
میر در اصل استرآبادی بود و در صفهان توطن اختیار نمود و معاصر شیخ بهار الدین عالی  
بود فاضل جلیل و تکلم ماهر در معقولات و شاعر عبری و فارسی بود امیر مذکور از حال خود  
شیخ عبد العالی که یکسب شیخ علی مذکور اجازه روایت داشت و هم از جناب شیخ حسین والد  
شیخ بهار الدین علیه الرحمه اجازه یافته و تاحمد رای شیرازی که از علمای حکمت است تمیز  
امیر مذکور است در تاریخ عالم آرای عباسی سطور است که فخر السادات و العلماء میر محمد باقر  
و اما در التخلص با شراق خلف صدق مرحوم سید محمد و اما در استرآباد است و خترزاده محمد  
مرحوم سبزواری شیخ عبد العالی است پدرش بدین جهت بداماد هشتم را یافته و او بحدی فهم  
و جودت طبع القاصد دارد و در صغیر سن در مشهد مقدس رضوی رفته در خدمت مدرسان و  
افاضل سرکار فیض آثار کتاب علوم نموده و در آنک زمانی ترقی عظیم نمود و در زمان نواب  
سکندر شان یعنی سلطان محمد بن شاه طهماسب صفوی بصحبت علما و فاضل در گاه معارف

در این کتاب

نفا

گشته مدتی با اسیب نحر الدین سماکی استرآبادی و سایر دانشمندان سباحات نموده در علوم مقبول  
و منقول سرآمد علمای روزگار گشت الیوم که سید موصوف در دربار سلطنت صفوان ساکن  
است بر تو اشراقات الیوار فغان کل و کمالا تش بر ساحت آمال طلبه علوم در خشان معانی  
کوکب طبع آفتاب شالشن بر عالمیان تابان است از تاریخ ارتحال شاه خجست مکان پیشین  
شاه طهماسب صفوی امی الا ان که سنه خمس و عشرين و الف هجریست اعلی از مباحثه و  
مطالعه فارغ نموده و کمره اوقات شریفش به مطالعات نگذشته و الحقیق که جامع کمالات  
صوری و معنوی و کاشف دقائق انفسی و افاقی است در اکثر علوم از حکمت و کلام و فقه و  
عربیت و ریاضی و طب و فقه و تفسیر و حدیث درجه علیا یافته رتبه عالی اجتهاد و دار و در وقتها  
عصر قنادامی شرعیه را تصحیح آنجناب معتبری شمارند در کتب علوم قصایف و اردو و  
صاحب تاریخ مذکور تعنیفات جناب میر که معلوم داشته لفظ آورده و نوشته که حافظ  
جناب میر بر تبه است که از اول حال و بساوی نشوونامات تا غایت هر نقد عبارتی که  
بخازن طبیعت سپرده و در حفظ آن شرط امانت کما منغی بجا آورده چندی از آن جناب  
طبع و قوادش فوت نشده در طاعت و تقوی و عبادت درجه عالی و رتبه استعالی وارد  
و خلاصه اوقاتش صرف مطالعه و مباحثه و عبادت الهیه شده و میشود و گاست  
بنظم اشعار که باین مراتب عالیه اوست ملققت شده اشراق تخلص می نماید و از نظمها  
او این رباعی که در نعت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله در رشته بلاغت  
انتظام داده تیمنا و تبرکاً درین صحیفه ثبت افتاده رباعی

ای ختم رسل دو کون پیرایه نست	افلاک یکی شبرسته پایه نست
گر شخص ترا سایه نیفتد چه عجب	تو نور سے و آفتاب خود سایه نست
علی قلیخان و والد غستانی شش انگشتی در ریاض اشعار آورده که میر محمد باقر و اما در اشراق علیه الرحمه و المغفرة قدوة فضلی عالی مقدار و زبده حکمای روزگار	

بوده است صیت فضل و دانشش عرصه عالم را فرا گرفته و آوازه جاه و منزلتش از قاف  
 تا قاف رسیده وی را ثالث المعلمین گویند تصانیف عالیه اش بر علیه فضلا می نامند  
 و حکمای و الاسقار و از فرط شهرت محتاج بتفصیل نیست جناب میرزا شجره و جود و سعید  
 میرشمس الدین محمد الشیر بر امواد است یعنی و اما در مجتهد مغفور شیخ علی بن العالی و جناب  
 شیخ در خواب حضرت سید الاوصیاء امیر المؤمنین علیه السلام را دید که شیخ میفرمود که  
 دختر خود را بمیرشمس الدین عقد کن که از و فرزند می ستولد خواهد شد که وارث علوم نبیا  
 و اوصیا باشد شیخ بموجب اشارت صبیغه خود را بوی عقد کرد بعد از انقضای مدتی  
 صبیغه شیخ بجوار رحمت ایزدی پیوست و طفلی از آن بوجود نیامد شیخ اندیشه مند شد  
 که اثر آن خواب بطهور نیامد باز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را خواب دید که میفرمود  
 که ما این دختر خود را نگفته بودیم بلکه غرض ما فلان دختر بود شیخ همان دختر را بحاله نکاح  
 میرشمس الدین در آورد و آن دختر و والده ماجده سید محمد باقر است و جناب میرزا تنها  
 در خراسان و عراق و رخصت داشتند آن مشغول تحصیل علوم شد طنطنه دانشش عرصه  
 آفاق را فرا گرفته در عهد شاه صفی صفوی مغفور اتفاق بود بزیارت عتبات عالیات  
 رفته در نجف اشرف وفات یافته در جوار آن امام البشر آسود استه متقطاً  
 سید علیخان مدنی در کتاب سلفه العصر ثنای بسیار و سبالغه در مدح و فضایل  
 سید باقر مذکور نموده گفته است که شاه عباس صفوی را بارها از و اندیشه بخاطر سید  
 و جملها در حق او برانگیخت زیرا که خوف خروج او بر خود داشت و از رجوع قلوب مردم  
 بسوی او در باره ملک خود می ترسید پس حق تعالی بفضول عمیم و قدرت کامله خود شاه عباس  
 را از بدگمانی در حق او بازداشت و منت و احسان بی پایان بر او گذاشت و همیشه  
 عزت و جاه سید و صوفی در ترقی بود و پیوسته سالک بسیل فوز و نجات میماند تا آنکه  
 مدت عمرش باخر رسید و خدای عزوجل مایه عالم جاودانی را از برای او اختیار فرموده

و آیه کریمه یا ایها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک و اضیة مرصیة را  
 تلاوت نمود پس بسوی بهشت رحلت فرمود و فاش رسال یک هزار و چهل و یک هجری  
 واقع شد قدس الله شیخ ابوزین صاحب سلافة العصر بعضه از تصانیف او را تا  
 برده در سال مختصره مشتمل بر حکایت بعض منامات عجیبه اوستمه بحاجیه را ذکر نموده نسبت  
 آن باور داده و گفته است که این از غرائب رسائل اوست که بر تقدس سیرت او در آن  
 وارد است محمد طاهر نصر آبادی در احوال سیر و احوال آورده که جناب سیر در علوم عقلی  
 و نقلی سرآمد علما و زبده فضلا بود و در تزکیه نفس نفیس و تصفیه باطن شریف نهایت  
 سعی نموده چنانچه مشهور است که چهل سال شب بیلو بر بستر استراحت نگذاشته بود  
 نوافل شب و روز در مدت عمر از وفوت نشده از جمیع علما بصفت حمیده و صلاح تمیاز  
 داشت با اتفاق شاه بنت رکان شاه صفی صفوی زیارت عبات عالیات رفته  
 و آنجا فوت شده و در نجف اشرف مدفون شد تصانیفش مثل قبسات و جزوات عالم  
 را روشن دارد و اینها در همان تذکره این ابیات مشتمل بر تاریخ و فاش از کلام علامه  
 کرمانی تخلص با مانی نقل کرده قطعه تاریخ

فغان از جور این پسخ جناکیش	کزو گرد و دل حسد شاد و ناشاد
ترا اولاد نبی دانای عصری	که شاشش مادر ایام کم زاد
محمد باقر و اما و کز و س	عروس فضل و دانش بود و نشاد
خرد از ماتش گریان شد و گفت	عروس سلم دین را مرده و اما و

لکن برین تقدیر سال یک هزار و چهل هجری میشود از تصانیف عالیة القدر و نالیه  
 المهر آن علامه عصر و یگانه و هر در فن حکمت کتاب قبسات و کتاب صراط المستقیم  
 و کتاب افق البین و در علم فقه کتاب شاریع النجاة و حواشی بر کافی و حواشی بر کتاب  
 سن لایحضره الفقیه و حواشی بر صحیفه کاله در ساله در زنی از تسمیه حضرت امام صاحب الزمان

علیه السلام بجلالیه موسوم به شریعت التسمیة فی زمان النبی ص و کتاب عمیون المسائل و کتاب  
 نیراس النضیا و کتاب خلعة الملکوت و کتاب تقریم الایمان و کتاب الرواح التماویة فی شرح  
 احادیث الامامیه که شرح کافی کلینی است و کتاب سبع شداد و کتاب فتاوی الرضاع و کتاب الایمان  
 و التشریفات و شرح استبصار و غیر اینها از کتب و رسائل و اجوبه مسائل اند شیخ یوسف آورده که از  
 تصانیف میر داماد رساله دیده ام در بیان آنکه کسیکه از جانب ما در اقتاب به ما شتم داشته باشد  
 و دخل سادات است و آن رساله حمیده است و از تصانیف اوست حاشیه بر خلاصه الاقوال علامه  
 کمالی طبر عن کتاب الرواح و از بعضی مواضع کتاب فتمی المقال ظاهر میشود که از تصانیف جناب  
 میر است حاشیه بر کتاب اختیار الرجال الامیر محمد زمان بن محمد جعفر الرضوی  
 المشهدی از شاخ کبار و فقهای ذوی الاعتبار بود در آل آمل سطور است که امیر محمد زمان  
 بن محمد جعفر رضوی شهید فاضل و عالم و فقیه و حکیم و شکر بود از تصانیف او کتابهاست  
 از آنکه شرح قواعد الاحکام و استاد سن شیخ زین الدین بن شیخ محمد بن حسن بن شهید ثانی  
 علیه الرحمۃ پیش او تحصیل و استفادہ علوم فرموده بود و ایضا آورده که شیخ زین الدین مذکور  
 سباله بسیار در وصف و روح وی میفرموده است بلین در کمال فضل و علم امیر محمد زمان محمود صاحب  
 سلاطین هم امیر موصوف را بصر و ثناء یاد فرموده و گفته که آنجناب از اعظم اهل عصر خود بود در سینه  
 و در بعضی بعد الالف بر حمت حق پیوست بعضی از تلامذہ امیر موصوف تاریخ وفاتش را درین رویت یافته

بنام  
 امیر محمد زمان

خطب اصحاب المسلمین فارخوا	صدعت بموت محمد اسلامها
---------------------------	------------------------

وقال ايضا

نظروا لافاق السما فارخوا	فتحت لروح محمد ابو الياس
--------------------------	--------------------------

امیر شرف الدین علی رحمة الله الحسین الحسین الشولستانی از افاضل نقاب مجتهدین و شایر  
 مکتب تاخرین و اکابر محمدین و اعظم متقین و یقین است از تلامذہ امیر محمد استرآبادی صاحب کتب  
 رجال و امیر فیض الله تفریثی بود و از جمله مشایخ اخوند ملا محمد تقی مجلسی علیه بوده چنانچه اخوند مجلسی

امیر شرف  
 الدین

بجای

مذکور در کتاب روضه المتقین بتقریب تحقیق احوال بعضی از رجال آورده که سید فاضل  
 امیر شرف الدین علی الحسینی الحسینی شیخ الله المسلمین بطول چپا که درین ایام ساکن مزار  
 فاضل الاوار جناب سید الاوصیاء امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه من الصلوة  
 افضلها و من التحیات الکلیها میباشد از تلامذه سیرا محمد امیر آبادی است انتی کلامه  
 و فاضل ربانی مولانا محمد باقر خراسانی در اجازه خود که برای ملا محمد شفیع قلمی فرمود بتقریب  
 ذکر شایخ خودی فرماید و روایت میکند از سید فاضل حلیل القدر امیر شرف الدین علی بن  
 حجة الله الحسینی الشولستانی و ملا حیدر علی مجلسی هم در اجازه خود از امیر موصوف  
 روایت میکند و میفرماید که امیر مذکور از جناب معظم امیر فیض الله بن سید القاسم امیر  
 انفرشتی از شیخ اعظم محمد بن الحسن الشهید الثانی علیه الرحمه روایت حدیثی است  
 و صاحب اهل آمل آورده که سید امیر شرف الدین حسینی شولستانی عالم و فاضل و دانش  
 و شاعر و ادیب بود اخوند ملا محمد باقر مجلسی از روایت وارد آنتی مؤلف گوید که در  
 اواخر بعضی نسخ کتاب سن لا یخفیه الفقیه اجازه بخط امیر شرف الدین مذکور که بر این معنی  
 تلامذه اش بود بنظر رسیده در آخر جلد اول این عبارت مرقوم است ثم بلغ سلیمان ابده  
 الله تعالی مع تحقیق و تدقیق تمنا و سند او اجزت له روایتی عنی لمن یحب ویرغی و انما  
 الی الله الغنی شرف الدین علی بن حجة الله الحسینی و در آخر مجلد ثانی این عبارت  
 تحریر فرموده ثم بلغ سماعا اید الله تعالی فی مجالس متعددة اخرها یوم لاشین عشرين شهر  
 رمضان المبارک سنه ست و اربعین و الف بقراءة تحقیق و تدقیق و اجزت له روایتی  
 و بیضی انا اقل خلق الله الغنی شرف الدین علی بن حجة الله الحسینی الشولستانی  
 غفر الله له و لو الایه و رشذور العیان سطور است که امیر شرف الدین فاضل و  
 عالم و محدث و عارف بفن رجال بود السید نور الدین علی بن السید علی بن  
 ابی الحسن الحسینی الموسوی العاملی مصنف الشواهد المکتبه

سند فاضل  
 صاحب اهل آمل

برادر سید محمد صاحب مدارک و برادر ماری شیخ حسن بن شهید ثانیست شیخ یوسف بجز این  
 آورده که پدرش سید علی بن ابی الحسن عالمی و دختر شهید ثانی را در حیاتش بقصد نکاح خود  
 آورد و سید محمد صاحب مدارک از آن دختر متولد شد و شهید ثانی را سوای مادر دختر مذکور  
 زوجه دیگر بود که مادر شیخ حسن بود چون شهید ثانی از دنیا رفت سید علی بن ابی الحسن  
 مادر شیخ حسن را در تزویج خود آورد و سید نورالدین علی از دستولد شد ولادت سید مذکور  
 در سال نصد و هفتاد و هجری اتفاق افتاد نورالدین مذکور از هر دو برادر خود که یکی علامه  
 شمس الدین محمد صاحب مدارک برادر پیری او بود و دیگری محقق جمال الدین ابی منصور  
 شیخ حسن صاحب المعالم بن شهید ثانی برادر ماری او بود روایت داشت و قرأت  
 علوم پیش والد ماجد و هر دو برادران مذکور خود نموده بود در سلفه العصر آورده که سید  
 نورالدین علی مذکور که علم سنیت و بازوی دین حنیف و مالک از تئمه تالیف و تصنیف با  
 الروایه و الدرر الیه رافع همیشه حسن مکارم و اعظمه الرایه بود در اول امر کافی با آغاز و  
 تکمیل در شام داشت بعد از آن عنان عزیمت بسوی مکه معظمه معطوف ساخت در آن  
 بجای اقدس رحل اقامت انداخت و سن او را در مکه دیره ام در حالیکه سن شریف او  
 از نود و سال گذشته بود و با این همه مردم از او اعانت می جستند و او از کس اعانت نمی جست  
 و پیوسته مقیم آنجا بود تا آنکه داعی حق را بیک اجابت فرمود و فاتش در هفدهم ماه  
 ذی حجه سنه یک هزار و شصت و هشت هجری واقع شد رحمه الله تعالی ملا شفیعا و فاتش را  
 در سنه یک هزار و شصت و دو هجری ذکر نموده و ایضا صاحب سلفه آورده که از کلام او  
 اشعار است که دلالت بر علو منزلتش دارد و از مصنفات شریفه اوست کتاب شوالیه  
 که در آن بعضی اغلاط ملاحظه امین استر ابادی صاحب فوائد مرینه را در فرموده و دیگر کتاب  
 عزرا الجامع فی شرح مختصر النافع و کتاب الوار بینه بر اثنا عشریه صلواتیه شیخ بهار الدین  
 عالمی علیه الرحمه و رساله انبیه در تفسیر آیه کریمه قل لا اسئلكم علیها الا الموده فی العزب



در ساله مجموع معروف بقیته المسافر مشتمل بر فوائد و اخبار و اشعار است و بعضی برایشی کتب  
 فقه و اصول حدیث و اجوبه سوالات وارد استی ماذکره السید نور الدین المذکور من مصنفات  
 فی اجازة المناهل الشیخ صالح بن عبد الکریم البحرانی طاب ثراهما و سید محمد یونس حسینی  
 استرآبادی صاحب کتاب الرحمة الزور وایت وارد و از اولاد سید نور الدین مذکور فاضل  
 کامل سید جمال الدین بن سید نور الدین و دیگر فاضل فقیه و عالم فقیه سید حمید بن سید  
 نور الدین که صاحب اهل ذکر او فرموده و بهم از کتاب اهل آمل ظاهر میشود که از فرزندان  
 اوست سید زین العابدین کما ذکره المحرر العالمی ترجمه فی کتابه چنانچه محل احوال سید زین العابدین  
 در ذیل معاصرین شیخ حر عاملی علیه الرحمه و ضمن این رساله هم خواهد آمد السیّد شیخ  
 زین الدین بن الشیخ محمد بن الشیخ حسن بن الشہید الثانی نور الله مرقدہم  
 اسم مبارکش پنجین مثل اسم جدش زین الدین شهید ثانی بصورت لقب یافته شد و او  
 در علم و فضل کبری سبقت از اقران ربوده چنانکه برادرش شیخ علی در کتاب در مذکور گفته  
 برادر من شیخ جلیل زین المله و الدین رحمہ الله فاضل ذکی و عالم لودعی و کامل فہمید عالم  
 متقی بود در اول حال در بلاد خود پیش شاگردان پدید خود داشته قال علیم نور و بعد از آن  
 بسوی عراق سفر کرد در ایامی که پدرش شیخ محمد در انجا اقامت داشته و شیخ زین الدین کور  
 در آن زمان سن شباب داشت پس بسوی بلاد خرم سفر کرد چون با نجار سید شیخ مرحوم بود  
 شیخ بہار الدین عالی او را در منزل خود فرود آورد و اکرام تمام بجا آورد و شیخ زین الدین کور  
 مدتی طویل در انجا ماند و درین مدت بخدمت شیخ بہار الدین علیه الرحمه مشغول قرارت و کتبت  
 مصنفات او ماند و ہم بخدمت دیگر فضلاء آن بلاد قرارت علوم میکرد و چون شیخ بہار  
 در سالی که وفات پدرش شیخ محمد واقع شد انتقال فرمود و آن سنہ یکہزار و سی ہجری بود  
 شیخ زین الدین مذکور بسوی مکہ معظمہ سفر کرده ہا انجا اقامت ورزید و مشغول مطالعہ علوم  
 گردید و صاحب درفشور گوید کہ بعد از آن سن بسوی مکہ معظمہ رفتہ و با او بسوی بلاد خود مراجعت

در مذکور شد

کردم و بخدمت کتب علم اصول و فقه و هیئت را قرارت نمودم پس او مرتبه دیگر بسوی بلاد محکم  
 سفر فرمود و بسبب مراجعت بوطن نمود و من در خدمتش مدتی استفاده میکردم تا آنکه مرا اتفاقاً  
 سفر بسوی عراق افتاد و او بسوی مکه رفت و او فوائد متفرقه بر بعض کتب نوشته و اشعار خوب  
 در فنون شعر گفته و مرانی و الغار و قصیده نهمه در مرثیه حضرت امام حسین علیه السلام دارد  
 و ولادتش در سال یک هزار و نه هجری واقع شده و روز نوزدهم ماه ذی حجه سنه یک هزار و  
 چهار هجری در مکه معظمه وفات یافت و من هم در آنوقت بکه معظمه حاضر بودم و در روز  
 عرفة بخدمت او رسیدم بودم و تا روز وفاتش در آنجا بودم و او در جوار مزار پدر خود مدفون  
 شد صاحب سلافة العصر بعد وصف و ثنای شیخ مذکور و ذکر حسن اخلاق او گفته که من  
 او را در مکه معظمه دیده ام آثار فلاح از بسیاری او بود و روشن بود مدت مجاورت او  
 در آنجا ای اقدس لیلول نکشید تا آنکه وفاتش در سال یک هزار و شصت و دو هجری در  
 رسید و شیخ یوسف بحرانی آورده که شیخ مذکور فاضل جلیل القدر بود و شیخ حرعالمی که  
 از علامه اوست در امل آمل آورده که استاد من شیخ زین الدین مذکور عالم فاضل  
 و کامل در استخراج و تحقیق و مدقن و آینه و صالح و عابد و پرهنرگار و شاعر و نقشی و لایب و حافظ  
 احادیث و جامع فنون علوم از معقولات و منقولات و جلیل القدر و عظیم المنزله بود  
 نظیر خود در عصر خود نداشت و بخدمت پدر خود شیخ محمد و شیخ بهار الدین عالمی و مولانا  
 محمد امین اشترآبادی و دیگر علمای عرب و عجم قرارت علوم نمود و بعد از آن مدتی بکه  
 مجاورت فرموده همانجا وفات یافت و نزدیک مزار فائض الاوزار حضرت اتم المؤمنین  
 خدیجه الکبری مدفون شد و من چندین کتب عربیه در ریاضی و حدیث و فقه و غیر اینها را  
 بخدمت او قرارت نموده ام او شعر خوب و فوائد و حواشی کثیر دارد و دیوان شعر او را که  
 صغیر است بخط او دیده ام و او کتابی مرتب تصنیف نکرد و تحت آنکه شدت احتیاط و خوف  
 شهرت داشت چون علمای متاخرین کتب بسیار تصنیف کرده اند و در مصنفات ایشان

سقطات کثیره مانده و ازین جهت نوبت قتل ممبئی از ایشان رسید و شیخ زین الدین کور  
 از حال علامه علی و شهید اول و جد خود شهید ثانی تعجب میکرد که ایشان پیش علمای مجاز  
 قرارت کتب بسیار نمودند و کتب فقه و حدیث و اصول ایشان را بسیار تفحص نمودند و انکار  
 بر ایشان در نیاب میکرد و میگفت که برین حال مترتب شد آنچه مترتب شد یعنی الله اعلم  
 الشیخ محمد بن علی بن احمد المحرفوشی الحوری العاملی الشامی  
 از اکابر علمای عالمین و اعظم فقها و محدثین و افاض علم ادبای کاملین و ارشد تلامذه مولانا  
 سید نور الدین موسوی عالمی بوده صاحب اهل آمل آورده که محمد بن علی مذکور فاضل  
 و عالم و ادیب و ماهر و محقق و مدقق و شاعر و نقشی و حافظ بود و از اعظم اهل عصر خود بود  
 در علوم عربیت و تحصیل فقه و حدیث و در کتب معتبره پیش سید نور الدین عالمی فرموده و میسر  
 جمیع از فضلاء عامه و خاصه استفاده کرده بود و تصنیفات شریفه او کثیر الفوائد از جمله  
 کتاب الآملی التیسینی شرح الأجر و میه و کتاب مختلف النجاة نامتوم است و شرح  
 زبدة الاصول و شرح تهذیب النحو و شرح صمدیه و شرح شرح قطر النداء المنفک و شرح  
 بر شرح کایمچی بر قواعد الاعراب و کتاب طرائف النظام و لطائف الانسجام فی بیان  
 الاشعار و شرح قواعد شهید علیه الرحمه و رساله الحال و دیوان اشعار عربیه و دیگر مسائل  
 متعدده دارد و نیز شیخ حر عالمی آورده که مولانا محمد حر فوشی مذکور را دیده بودم ای سید  
 بلا و ما تشریف داشته تا آنکه بسفر اصفهان رفت و در وفات مولانا محمد بن علی مذکور  
 تصیده طویل در مرثیه او گفته ام و صاحب سلافه در وصف او میفرماید منار العالم النکا  
 و ملتزم کعبه الفضل و رکنها الشامی و مشکوة الفضل و مصباحها المنیر به مساو و ما و  
 صباحها خاتمة ائمة العربیة شرقا و غربا و المرهف من کلام شبا و عزبا ابان عن  
 المشکلات نقایها و اللصعها و ملک قایها و الفینا لیفه شناق الفنون و صنف بمصانیه فی الذمکن  
 بالجملة صاحب سلافه براج جلیله و مناقب فخمیه اورا استوده و گفته که مولانا محمد مذکور از دیار شام

بسیار  
 کتب  
 کثیره

شیخ علی بن  
ابوبکر

بسوی بلاد عجم رفته هانجا اقامت و زید تا آنکه در ماه ربیع الآخر سنه تسع و عسین رحلت فرمود  
 الشیخ زین الدین علی بن سلیمان بن حسن بن دویش بن حاتم البحرانی  
 القندی المعروف بأمر الخدیث از تلامذہ شیخ بہار الدین  
 عالی علیہ الرحمہ بود شیخ یوسف آورده کہ شیخ علی ملقب بہ زین الدین البحرانی اول کسی است  
 کہ علم حدیث را در بلاد بحرین منتشر ساخت و ترویج و تہذیب آن نمود و قبل از زمان او در آن  
 بلاد روحی از برائے آن نبود چون او مہارت و ملازمت بحدیث بسیار داشت بر کتاب  
 تہذیب الاحکام و کتاب استنبصار حواشی و قیود و فوائد بسیار نوشت در بلاد عجم بام الحدیث  
 اشتہار یافت و او در بلاد بحرین رئیس و شارالیه و متولی سور ریاست بود و آزار بہ نیکوترین  
 قیام بجا آورد و غلبہ حکام اہل فساد را بر طرف ساخت و بساط عدل و انصاف بیان خلائق  
 منبسط داشت و بدعتہای چند را کہ ظالمان جاری داشتہ بودند رفع فرمود از تصانیف شریفہ  
 اوست رسالہ در صلوة و رسالہ در جواز تقلید و حاشیہ بر کتاب مختصر نافع شیخ علی منزلی در اول  
 حال پیش شیخ محمد بن حسن بن رجب بحرانی تلمذ فرمودہ پس چون بسوی عجم سفر کرد بحدیث  
 شیخ بہار الدین عالی رسیدہ علم حدیث را از تحصیل نمود و بسوی بحرین مراجعت فرمود و در آنجا  
 آن علم شریف را رواج داد و در آن زمان شیخ محمد بحرانی مذکور در حلقہ درس او حاضر شد پس  
 مردم او را سزانش کردند کہ او دیر روز شاگرد تو بود و اکنون تو چگونه شاگرد او شدی شیخ محمد  
 بحرانی کہ در غایت ورع و تقوی و انصاف بود گفت کہ او بر من دیر دیگر آن فالح شدہ است  
 بسبب آنکہ اکتساب علم حدیث فرمودہ و شیخ یوسف بحرانی آورده کہ شیخ سلیمان بن علی  
 بن سلیمان بن راشد بحرانی از جملہ تلامذہ او بود و وفات شیخ علی بن سلیمان مذکور در سنہ  
 یکہزار و شصت و چہار ہجری واقع شد قبر مقدس او در قریہ قدیم مزارعی معروف است و او را  
 سہ بسہ بود و یکی از ایشان صاحب ورع و صلاح شیخ صلاح الدین کہ فاضل در علم حدیث و  
 ادب بود و دیگرے شیخ حاتم کہ از نیز فاضل فقیہ بود و سوم شیخ جعفر کہ در اجرای امر معروف

بجہ

و نهی عن المنکریفات صلب و سخت و صاحب شدت بود و احوال این هر سه بزرگوار  
در مقام خود خواهد آمد انشاء الله تعالی مولانا السید حسین بن الامیر  
رفیع الدین محمد صدر بن الامیر شجاع الدین محمود  
الاصفهانى المازندرانی المرعشی المعروف

بنی خاندان  
بنی خاندان  
بنی خاندان

بنی خاندان الملقب بسطان العلماء الدین از مشاییر فضلاء و مجاهدین  
علمای بود و از اکابر سادات و امرای عمده و امام شاه عباس صفوی ماضی بود و در عهد شاه  
و بعد از او منصب وزارت داشت پدرش امیر رفیع الدین محمد بعد از اصدات دربار  
با د شاه مذکور منصوب بود و بخشش میر شجاع الدین محمود بسیار فاضل و صاحب نفرت کما  
و در علوم متداوله سرآمد روزگار بود و ایشان از سادات مرعشی اصفهان و سادات  
خلیفه مشهور و مازندرانی الاصل بودند نسب ایشان بسید امیر قوام الدین مشهور  
بیر بزرگ والی طبرستان و مازندران میر سید و سلسله نسب میر بزرگ مذکور بنا بر آنچه  
در کتاب مجالس المؤمنین سطور است بحضرت امام زین العابدین علیه السلام منتسب است  
برین نهج سید قوام الدین بن سید صادق بن سید عبداللہ بن سید محمد بن امیر  
بن سید حسن بن سید علی المرعشی بن سید عبداللہ بن سید محمد بن سید حسن بن سید  
حسین الاصفهانی الامام زین العابدین علی بن الحسین علیهما السلام و صاحب تاریخ  
عالم آرای عباسی بقرب و قانع سنه یک هزار و سی و سه هجری آورده که درین سال  
نسب وزارت دیوان اعلی شاهی یعنی شاه عباس صفوی بسطان العلماء خلیف  
سلطان بن رفیع الدین محمد صدر تفویض و تاریخ وزارتش درین معراج است  
وزیر شاه شد سلطان داماد و و ایضا در تاریخ مزبور بقرب ذکر وزیرای شاه عباس  
ماضی که در زمان وفاتش موجود بود و سطور است که سلطان العلماء و سطور الخلیف  
سلطان خلف میر رفیع الدین محمد صدر که شرف معصرت اعلی دارد و درین تاریخ

گرامی معزز و سربلند گردید و من حیث الاستقلال بامر وزارت پرورخت و الحق سید  
 بزرگ عالی شان و فاضل دانشمند نیکو اخلاق است و از عهد صبی و او ان تمیز و نشو و نما  
 نماز مان ارتقاء مباحث غایب و منصب مذکور خلاصه عمر گرامی را صرف مطالعه و سباحته کرده  
 و در علوم معقول و منقول سرآمد روزگار گردید و در اندک زمانی بوفور فهم و فطرت عالی و طبع  
 مستقیم در علم حساب و انی مهارت کامل یافته تصرفاتش در علم حساب و قانون و نتائج  
 ارقام و اوزان حرف خطا معنون ذات کامل العفانش جامع کمالات صوری و معنوی و  
 حاوی فضائل و استعداد معنوی و شائستگی این رتبه والا از جهه اش ظاهر و هویدا و  
 الی نهایت من حیث الاستعداد و شاعلی این مشغله عظیمه است الی آخر المدح فی اخلاقه و  
 محامد حضاله و سید علیجان مدنی در سلافة العصر آورده که سید حسین مشهور بخلیفه الاما و سلطان نجم  
 بود و در سال یک هزار و شصت و شش هجری وفات یافت و مولانا جلیل خلیل بن غاز  
 قزوینی کتاب سیمی بستانی شرح کافی کلینی را براس سید حسین موصوف تعینت فرموده و در  
 کتاب مذکور مع و ثنائی بلوغ در حق او گفته و باین الفاظ ستوده مفسر العلماء و اعظم  
 السادات و العظام و نور الهدی و بدر الدجی ملجاء الضعفاء و المساکین مرجع  
 العلماء فی العالمین اعتماد الذللة العالیة الحسینیة الموصیة الصغیرة خلیفه سلطان الحسینی  
 وزیر محمد ظاهر نصر ابوی اصفهانی در تذکره خود آورده که خلیفه سلطان اسم شریفش علامه الدین  
 تکیه میر رفیع الدین محمد مشهور بخلیفه نسب شریفش فتنی میشود از جانب پدر بمیر بزرگ که از اکابر  
 سادات مازندران و فرمان فرمای آن ملک است اما والده اش از سادات شهرستان است  
 و در عهد سلطان جنت مکان شاه عباس صفوی ماضی و الراجح آنجناب بمنصب صدارت  
 و خودکش بسادات معما برت و بمنصب وزارت سرافرازی و داشت و از منته سابق سلطه  
 باین دو سعادت بمنصب عالی سر آمدی یافته سید حمزی الیه در فنون علوم بهره کامل برده  
 در قواعد اعموال دین بسین و نهایت سمانت و وفانت بوده لطف تعطیل در اوقات خود

رواندا شتی بعد از وفات شاه عباس ماضی در او اهل جلوس شاه صفی علیه الرحمه لبایست  
 به گویان بحیث مغزول شد مدتی در قم متوطن بوده و بعد از آن باز در عهد ماضی شاد با  
 ثانی مسند وزارت اعظم بود و آن یگانه مرن شد و در تاریخ شهر سنه یک هزار و شصت و چهار  
 هجری در ولایت مازندران طائر روح پر فتوحش بقصد یمن جاوید بال پرواز گشود  
 انتمی و در تذکره علی قایمجان مسطور است که سید مزبور در علم و فضل بسیار و فضل بسیار  
 و علمای دوران بود و فاضل کامل آقا حسین خونساری از تلامذة سید حسین بودند  
 از تصانیف او است حاشیه در کتاب معالم الاصول و حاشیه غیر در شرح لمعه و دیگر  
 رسائل کثیره دارد اخوند ملا محمد تقی بن مقصود علی المحاسبی الاینها  
 چون والد ماجد او ملا مقصود علی ملقب و تخلص بجاسی بود و لهذا اولاد او هم باین لقب مشهور  
 شدند اخوند ملا محمد تقی از افاضل تلامذة شیخ محمد بهار الدین عالی و ملا عبداللہ شوشتری  
 است و فضل و کمال و تقدس شهره آفاق است و او در بلاد عجم فقیه زمان و مرجع شرک  
 و اقران خود بود تصنیفات و تالیفات او بقبایت کثیر النفع خصوصاً مناقش و زفار  
 فیضی عام برای خواص و عوام است و سبط فاضل او ملا حیدر علی بن عزیز الدین محمد بن  
 ملا محمد کاظم بن ملا عزیز الدین مولانا محمد تقی مجلسی در رساله سلسله نسب خود آورده که اخوند  
 ملا محمد تقی مجلسی از خانه اباده علم بوده اند چنانچه از اجازات آن مرحوم معلوم میگردد و از مجلس  
 در اربعین که با استدعای میرزا شرف الدین علی گاستان نوشته است و در سایر اجازات اینکه  
 جد او در شش بلاد و در شش محله اصفهانی فاضل و از تلامذة شهید ثانی بود و والد او در شش محله  
 شیخ حسن عالی فاضل و عارف بود و والد ملا محمد تقی مجلسی ملا مقصود علی عارف صاحب کتاب  
 مقدس بود و اشعار خوب میفرموده و تخلص بلا مجلسی بود و حال آن مرحوم ملا محمد قاسم از  
 جمله فضلاء بود بلکه والده آنجناب نیز مقدسه و عارفه بود و اینها صاحب رساله مذکور نقل  
 کرده است که والد اخوند مرحوم در وقتیکه اراده سفر نموده دو فرزند خود ملا محمد تقی و ملا محمد صالح

مجلسی

را در خدمت علامه مقدس اخوند ملا عبداللہ شوشتری علیہ الرحمہ از براسے درس گذارشته سفار  
 ایشان بآن مرحوم نموده روانہ سفر گردید در آن اوان موسم عید می رسید ملا عبداللہ مذکور شد  
 تو مان لعلہ باخوند ملا محمد تقی داد که صرف ضروریات خود نماید آخوند گفت کہ بدون اجازت والدہ  
 نخواہم گرفت چون بوالدہ خود اطلاع نمود والدہ اش فرمود کہ پدرت دکانی دارد کہ گریہ را  
 فلان مقدار است و آنرا بر اخراجات خود تقسیم گردانیدہ ایم و باین عادت شدہ است و  
 اکنون اگر این مبلغ را بگیرم تو سہ بہم خواہد رسید و اینم معلوم است کہ تمام خواہد شد  
 و عادت اول رفع شدہ احتیاج اظهار حال بخیست ملا و دیگران خواہد افتاد این صلاح  
 مانست ملا عبداللہ باستماع این سخن ایشان را و عا فرمود انتہی ترجمتہ کلامہ اخوند موصوف  
 در او اہل کتاب لوا مع جمعی از اساتذہ خود را ذکر نموده فرمودہ است کہ از جملہ کسانیکہ مرا اجازت  
 لقب احادیث دادہ اند استاد من شیخ بہار الدین عالی است کہ بواسطہ پدر خود شیخ حسین  
 بن عبد القہر از شہید ثانی روایت داشت و او از شیخ نور الدین علی بن عبد العالی و  
 دیگر استاد من مولانا عبداللہ بن حسین شوشتری است کہ بواسطہ شیخ نعمت اللہ بن  
 خاتون عالی از شیخ نور الدین عالی بن عبد العالی کرکی روایت داشت و دیگر قاضی  
 معز الدین محمد و شیخ یونس جزائری اند کہ بواسطہ شیخ عبد العالی بن شیخ نور الدین علی  
 بن عبد العالی از پدرش روایت داشتند و دیگر قاضی ابو الشرف بسیر عمہ من شیخ عبد اللہ  
 بن جابر عالی و خال من ملا محمد قاسم بودند اند کہ ہمہ ایشان از شیخ علمای زمان خود  
 ملا درویش محمد صفہانی عالی کہ جد من است روایت داشتند و او از شیخ نور الدین علی  
 بن عبد العالی کرکی روایت داشت همچنین سلسلہ روایت را بوساطت علمای عصا  
 بچندین طریق بسیر شیخ صدوق ابن بابویہ مصنف کتاب سن لایضہ الفقہیہ منشی است  
 است و ملا حیدر علی مجلسی در رسالہ اجازہ خود آورده کہ علامہ فہامہ محمد تقی بن مجلسی  
 فاضل و عالم داشت و پرمیز کار و ثقہ بود و در سال یکہزار و سہ ہجری متولد شد و در



سال یکزار و هفتاد و هجری وفات یافت دختر زاده اش ملا محمد سعید اشرفی خلف ملا  
 صالح مازندرانی در کلیات منظومه خود تاریخ وفات اخوند را چنین آورده **س**  
 گفت در تاریخ هجرانش دل حضرت **نصیب** و ده ویدار یارب بنت الماوی بود

از جمله تصانیف او شرح کتاب سن لا یخفیه الفقیه است لعربی موسوم به **موسم** و **موسم** است  
 و شرح دیگر لغاری موسوم به **توابع صاحبقرانی** و شرح صحیفه کامله سجادیه و کتاب  
 حدیقه المتقین در احکام عبادات و رسا که در احکام ریحان در ساله بود در احکام  
 حج و طاهر تصنیف اکثر کتب اخوند علیه الرحمه در او آخر عمرش واقع شده چنانکه از وی  
 کتاب روضه المتقین طاهر میشود که در سن شصت سالگی تصنیف آن پرداخته شد و در  
 آخر از کتاب مذکور گفته است که من از عمر خود زیاده از پنجاه سال در تحقیق احادیث حضرت  
 سید المرسلین و ائمه معصومین صلوات الله علیهم جمعین صرف کرده ام و اولاً کتب  
 متداوله در علم کلام و اصول و فقه را قرائت نمودم و بر آنچه علمای امامیه و غیر ایشان  
 تصنیف کرده اند مطالعه کردم و ایضا در مجلد مذکور که شرح احوال رجال راویان است بعضی  
 از خوابهای خود را نقل کرده است که دلالت بر علو مرتبه اش دارد از آنجا که خواست که تقریب  
 ذکر سند صحیفه کامله سجادیه نقل کرده و خلاصه اش آنکه حضرت صاحب الامر علیه السلام  
 او را بخواب برای گرفتن کتابی از شخصی دلالت فرمود و اخوند علیه الرحمه در همان حال آن  
 کتاب را از آن شخص یافته ملاحظه نمود و دید که صحیفه کامله است چون بیدار شد چیزی نیافت  
 تا صباح بتفریح وزاری بود پس در تفحص آن شخص سبک دید تا آنکه در همان روز تعبیر خواب  
 ظاهر شد که در عین تفحص نسخه صحیفه کامله که بخط شیخ شهید علیه الرحمه بود از دست شخصی  
 اصفهانی بدست او آمد و همان نسخه بود که آنرا بخواب دیده بود و او گفت گوید که همان  
 نسخه صحیفه کامله که بخط شهید علیه الرحمه است تا این زمان در کتب خانه مجتهد اصفهانی  
 ممتاز العلامه سید محمد تقی بن سید العلامه آقا سید حسین ادام الله ایامه موجود است

راقم بطور نیز زیارت آن نسخه شریفه مشرف شده مشهور است که آنرا شخصی در عهد جناب غفرانما  
 مولانا السید ولد ارعلی طاب ثراه درین بده برای بیع آورده اتفاقاً احدی بخوبی آن  
 نسخه مطلع نشد تا آنکه بانجناب رسانید و بقرائن بسیار واضح شد که همان نسخه است و از کتاب  
 اخوند علیہ الرحمہ کہ موسوم بہ لواصع صاحبقرانی است ظاہر میشود کہ چون او از تصنیف شرح  
 عربی کتاب سن لایحضرہ الفقیہ سہمی بروقتہ المتقین فارغ شد آنرا بحجت ترویج آن از  
 شخصہ نظر سلطان شاہ عباس ثانی کہ بادشاہ عصر او بود گذرانید و سلطان مذکورہ  
 فراموش تصنیف شرح فارسی با و نمود لہذا شرح دیگر سے بکتاب لواصع صاحبقرانی  
 را بقار سے بنام شاہ عباس و چندین مجلدات تصنیف نمود شرح مذکورہ کتاب پنج  
 و دو سو جلد دیدہ شد و زیادہ از آن بنظر نرسیدہ ظاہر التبت نشین تمام ابواب آن  
 نرسیدہ باشد و صاحب تذکرہ آورده کہ از چندین مواضع کتاب لواصع بوضوح می بینیم  
 کہ کتابی در تفسیر قرآن ہم فارسی از تصانیف اوست و تاریخ تصنیف کتاب حدیثہ  
 چنانکہ در بحث صوم ذکر نموده است سنہ یکہزار و شصت و چہار ہجری است و در آن کتاب  
 پنج باب و خانمہ قرار داده است لکن تا چہار باب کہ مشتمل بر احکام نماز و نماز و زکوٰۃ  
 و روزہ است مشہور است و باب پنجم و خانمہ کتاب در مہیک از نسخ مشہورہ یافتہ شد  
 شاید کہ میاض نرسیدہ باشد لکن از بعضی موشنیں مسموع شد کہ باب پنجم آن کہ در احکام  
 حج است نیز علیحدہ مدون یافتہ اند اما نسبت تصنیف آن بسوسہ اخوند علیہ الرحمہ بعد  
 ثبوت نرسیدہ و اللہ اعلم و نیز از مولفات آن مرحوم سوای کتب و رسالہای مذکورہ  
 رسائل دیگر است از انجملہ رسالہ وجوب نماز جمعہ است چنانکہ در کتاب حدیثہ شماره  
 بان فرمودہ است و رسالہای چند در آداب نماز شب است چنانچہ فرزند ارجمندش  
 قائم المحدثین مولانا محمد باقر مجلسی علیہ الرحمہ در کتاب عین الحیات میفرماید کہ کیفیت  
 نماز شب و دعاہای آن در کتابہای دعا مذکور است باید کہ بانہار جوع نمایند و والدین

رسالهای کبیره و صغیره درین باب تالیف نموده است آنهمی و میان اولادش گران رساله  
 یزیدیه و در چنانچه در رساله نسب ملاحید علی محاسبی مذکور است که اخوند ملا محمد باقر  
 سه پسر بجد کمال سعید مذکور اولادش ملا عزیز الله نام در ششت و آید و در میان سعید  
 و پسر سوم علامه محاسبی صاحب بحار الانوار طاب ثراهیم و عدل هر یک از ایشان در  
 خود جواب آمد انتشار الله اکبر و اینها در رساله مزبوره سطر ۱۰۰۰ که در مقدمه خود  
 نوشته بود مذکور است که فاضله زوج علامه محاسبی در این زمان در آستان قدس  
 و کتبی حواله انتشار الله اکبر در زوج فاضله علامه محاسبی و غیر اینها -  
 علامه میرزا محمد بن حسن اشیردانی مشهور به علامه میرزا و در مقدمه خود نوشته است  
 کمال الدین فسوی شایخ شافیه است و احوال ما فیها در تیسرین در تمام خود جواب  
 انش و تفصیل احوال سائر اسباط و احقا و شش به کون بر رساله مذکوره است و این  
 گوید که فاضل طیب و محمد شامیل در سمع ظاهر است یعنی که بخیا از احوالش بعد از  
 انتشار الله اکبر می شود از معاصرین اخوند الله سمع لقی محاسبی علیه الرحمه بود رساله  
 تشنیع بر اعمال و اقوال صوفیه تالیف نموده و اخوند علیه الرحمه بنا بر آنچه فسوی آنجا  
 نسبت میکند رساله در جواب آن بر پنج حواشی از جانب صوفیه مشتمل بر مناظره در تالیف  
 طریقه فاسده در اعمال کاسده آن فرقه متبذره و حمایت جمعی از اسلاف ایشان و ادعای  
 تشنیع آن بدیشان نوشته ملاحظه فرمایید که در جواب مذکور نوشته و کج ساطع نقض  
 ایشان پرورخته بر وجهی که عامه مومنین را از براسی اطلاع و آگاهی بر حال ضلالت مال  
 صوفیه کافی است و بر تقدیریکه جواب رساله مذکوره را بختی که متداول است اخوند مذکور  
 کرده باشد واضح میشود که اخوند در اوائل حال خود طریقه صوفیه و اعمال متبذره ایشان را  
 نیکو میدانت یا آنکه طریقه لقیه و مسائفة و تالیف قلوب آن قوم ضلالت شعاریه تبت  
 و مجادله حسنه کما شهید به ولد العلامه المحاسبی مقصود است عالمی درشت اهل بیت الصبر علیهم

اما نسبت تالیف جواب مذکور بسوسے او ثابت نیست و دیگر کتب او که در اواخر عمر خود تصنیف کرده است نسبت تصنیف آنها بسوسے او متواتر است بر تبحر عظیم او در علم فقه شیعہ و احادیث امامیه و ولایت دارد و اگر چه از بعضی مواضع آنها حسن ظن او بصوفیه ظاهر میشود لکن سلوک او بسک فاسد و صوفیه در عقائد و اعمال یافته نمیشود بلکه خلاف آن از کتب مذکور مستفاد است پس بعید نیست که جواب رساله مزبور را شخصی از صوفیه آن زمان نوشته باشد و اخوند علیه الرحمه منسوب نموده باشد تا کلاش را معتبر شمارند و در حقیقت در این حال اخوند مرحوم از کوشش چنین اقوال فاسده پاک بود و اینها خودش در لواضع تقریب معنی حدیث قدسی که در فضیلت مؤمن معصی بنوا فل شمل بر لفظ کنت سمعه الذی لیسع به و امثال آن وارد است میفرماید که چنان مؤمن بقوت الهی میکند هر چه میکند و شیعه نه بجلول و اتحاد است بلکه بعضی ارتباط است پس بنا برین ثابت شد که اخوند علیه الرحمه از متابعت اقوال فاسده صوفیه از وحدت وجود و غیره منزه بوده است و با کلمه برابرت او از چنین مفرجات ستغنی از اظهار است مولا نا محمد طاهر بن محمد حسین الشیرازی ثم النجفی ثم القتی از شاہیر علمای امامیه و اکابر محدثین فرقه ناجیه بود شیخ حر عاملی و خاتم المجتهدین ملا محمد باقر مجلسی صاحب بحار الانوار از آنجناب روایت دارند و در امل آل آنجناب ابی عالم محقق و مدقق و ثقة و نقیہ و متکلم و محدث جلیل المقدر و عظیم الشان ستوده و گفته که از تعانیف شریفه اش کتابهاست از آنجمله شرح تہذیب الحدیث و کتاب حکمۃ الغارین فی رد شبهات المخالفین و کتاب بجة الدارین و کتاب تحفة الاخیار شرح تصیفة مؤنس الابرار و کتاب الاربعین فی فضائل سیر المومنین و امامت الائمة الطاہرین و رساله حق الیقین و رساله حمیہ و رساله فوائد مدنیہ فی الرد علی الکفار و الصوفیہ و کتاب حمیہ الاسلام و غیر ذلک من المکتب و الرسائل و شیخ حر عاملی آورده که من از روایت حدیث دارم تمہی و رساله در رد بر اقوال و اعمال صوفیہ و چون بعضی معاصرینش رو بر این رساله دعایت کرده اند

ملا محمد طاهر بن محمد حسین

صوفیه کرده بود علای مذکور بار دیگر در بر آن نوشت چنانچه در حال اخوند ملا محمد تقی مجلسی ره بیاید  
 آن کرده شد مولانا نظام الدین محمد بن حسین الساوی القرشی از تصانیف  
 شهوپین و تلامذہ حضرت خاتم المحدثین شیخ بہار الدین است از تصانیف اوست کتاب  
 نظام الاقوال فی معرفۃ الرجال و آن کتابست مشہور کہ در آن راویان احادیث کتب  
 اربعہ را بیان فرمودہ و دیگر از تصانیف مشہورہ اوست پانزدہ باب از آخر کتاب جامع عباسی  
 کہ بعد وفات استادش شیخ بہار الدین عالمی علیہ الرحمہ حکم خاقان معظم شاہ عباس صفوی  
 بجمع و تصنیف آن پرداختہ السید ابراہیم بن قوام الدین حسین بن عطاء  
 اللہ الحسنی الحنفی الہمدانی در عقایب سرآمد فضلای کالمین و اجلای بارعین بود تصانیف  
 شریفہ آن مقبول بارگاہ آلہ بر مبلغ فضل و مقدار علم او شاہد و گواہ اند بالجملہ شرح و توضیح  
 آنجناب بالاتر از آنست کہ در تحریر کجند از تصانیف اوست حاشیہ تفسیر کشف و حجاب  
 بر شفا و حاشیہ بر شرح اشارات و حاشیہ بر رسالہ اثبات واجب تعالی کہ از فاضل محقق  
 جلال ودانی مشہور و متداول است سید بصیرت از جناب شیخ الاسلام و المسلمین بہائم السلام  
 و الحق والدین محمد عالمی اخذ حدیث فرمودہ و از آنجناب اجازه مبسوطہ یافتہ وفات او  
 علی ما قالہ مولانا عبد العلی البساطانی حاشیہ کتاب اہل الامل مولانا السید حسین  
 بن السید محمد بن السید علی اللوسوی العاملی الحنفی فرزند ارجمند سید محمد صاحب  
 مدارک است شیخ حر عالمی ترجمہ اش برین عنوان آورده کہ سید حسین عالم فاضل و فقیہ  
 ماہر و جلیل القدر و عظیم الشان بود در خدمت والد ماجد خود صاحب مدارک و مولانا الابرار  
 شیخ بہار الدین عالمی رحمہما اللہ و دیگر علمائے عصر تحصیل و قرائت علوم نموده و بسوی خراسان  
 سفر کردہ در آنجا اقامت ورزید و در شہد مقدس امام رضا علیہ الآت التحیۃ و الثناء بجدہ  
 شیخ الاسلامی و قاضی القضاة منصوب بود و در سمت شرفی روضہ رضویہ بدرکس و افادہ  
 محصلین اوقات شریفی می گذرانید از جمله تصانیف اوست شواہد ابن الناطم و حاشیہ بر تفسیر

کتاب جامع عباسی

تفسیر کشف و حجاب

تفسیر مدارک

شهبودیه و فاشش در سال هزار و شصت و نه هجری واقع شد و جمعی از علماء مرچ و وصف او فرموده  
 از جمله ایشان سید محمد بن محمد عالمی عینائی است و نیز شیخ ابراهیم بن فخر الدین العاطی  
 البازوری که از تلامذه شیخ بهائی علیه الرحمه است قصیده در مرچ او گفته و این اشعار از  
 جمله قصیده مذکوره اند اشعار

من افق سعدا لجاللین هدی	لله ایت شمس للعاطی طلعت
انواره فانجلت مجل العبدی	وای بد کمال فی الوری مطعت
نظوف من حولها امال من فدا	قد اصبح کعبه العاقین حضرت
شمس الضحی من غور الدهر توی نکل	لازلت اسنان عین الدهر ماز شفت

شرف الدین ابوبکر

الشیخ شریف الدین محمد الروید شستی صاحب امل آورده  
 که شیخ شریف الدین فاضل عظیم ایشان و جلیل القدر از تلامذه شیخ بهار الدین عالمی است  
 مؤلف تذویر العقیان فی تراجم الاعیان آورده که فاضل صالح مولانا محمد شریف بن  
 شمس الدین محمد الروید شستی از شاخ اخوند محمد باقر مجلسی است و از شیخ الاسلام  
 حضرت شیخ بهار الدین عالمی علیه الرحمه اجازه یافته و تاریخ کتابت اجازه مزبوره عشره  
 آخر ماه جمادی الاولی سنه اثنین و عشرين بعد الالف بوده شیخ مغفور در اجازه مذکوره  
 در وصف او میفرماید که قرارت نمودن من اخ اعز زبده الافاضل و خلاصه الامثل  
 زکی ذکی المسمی لوزعی حاوی برتری و کمال جامع محامد خصال و فائز بدرجه استدلال اناده  
 و افاضه و تقوی شریف الدین محمد و فقه الله سبحانه للار تقار الی رفع الدرجات الی آخر  
 ما قال مولانا السید جواد بن سعید العاملی از تلامذه خاتم المجتهدین مولانا  
 شیخ بهار الدین عالمیست فاضل عالم و محقق جلیل القدر بود از تصنیفات اوست شرح  
 آیات الاحکام و شرح خلاصه الحساب و دیگر کتب کذانی الال و مولانا عبد العلی طباطبائی  
 بر حاشیه امل میفرماید که سید جواد مذکور از اکابر فضلا است و اسم شریف او سید جواد

سید جواد بن سعید

ر پدرش سعد بن جواد است نه سید چنانکه مصنف آورده و از تصانیف اوست کتاب  
غایب المأمول فی شرح زبیرة الاصول و مسالک الافهام الی باب الاحکام مولانا عبد العلی  
نوشته که از کتاب مسالک استفاد میشود که از تصانیف اوست شرح کتاب دروس و التمهید للعالم

سید احمد بن محمد باقر

السید احمد بن عبد الصمد الحسینی البجری

صاحب اهل الآمل آورده شیخ جلیل احمد بن عبد الصمد مذکور عالم فاضل و شاعر ادیب بود از  
تلامذہ شیخ اجل بهار الدین محمد عالمی است و از شیخ موصوف روایت داشت و صاحب  
سلاطین العصور و صفحہ سفیر باید. السید احمد بن عبد الصمد البجری بن عبد الصمد بن الفضل  
رکن و مستلم مدبر فی الادب باعه کریم خیمه و طباعه فکلدی صفحات الدبیر محاسن آثاره و قلده  
جید الزمن قلاد نظامه و نثاره فهو اذا قال صال و عننت لثب السائمه النصال دنایه  
من شعره غیر ما اشد نیه له شیخنا العلامة جعفر بن کمال الدین البجری - شعر

لا بلغتنی الی العلیا عاذتی	ولا دعتنی العلیا یوما لها و لدا
اندر امر علی الاعداء مشربها	مرادے لیس بجلو بعدها ابدا

سید حسین بن علی

السید حسین بن الحسن الموسوی العاملی الکرکی والد سیرزا حبیب الله عالمی است  
که ذکرش می آید از افاضل زمان و علمای اقران بود در اهل آمل آورده که سید حسین  
مزلویر والد سیرزا حبیب الله عالمی بود و فاضل و عالم جلیل القدر بود در بلخه اصفهان  
متوطن گردیده بود تا آنکه در آنجا بر حمت حق پیوست السید احمد بن الحسین بن الحسن  
الموسوی العاملی الکرکی برادر سیرزا حبیب الله عالمی است و از تلامذہ شیخ  
بهار الدین بود و از شیخ مذکور روایت داشته صاحب اهل آمل گفته السید احمد بن سیرزا  
حبیب الله عالمی کان فاضلاً فقیهاً سفاهاً شیخنا البهائی قرر علیه دروی عنه است  
سیرزا حبیب الله بن الحسین بن الحسن الموسوی العاملی الکرکی  
از علمای کاظمین و نقمائی بارعین بود بر نامدار و جد عالمی قدر آن بزرگوار از فضلا و ذوی

سید حسین

سید حسین بن علی

بود و اندر میرزای موصوف برادر سید احمد سابق الذکر است ظاهر بشرت استفاده از شیخ  
 بهارالدین عالی مشرف گشته شیخ حرعالمی در امل آمل میفرماید - السید مرزا حبیب الله بن حسین  
 بن الحسن نجینی الموسوی العالی الکر کے کان عالما جلیل القدر عظیم الشان کثیر العلم سافر  
 الی اصفهان و تقرب عند الملوک حتی جلاوه صدر العلماء و الامراء و اولاده و ابوه و جدّه  
 کما لولا فضل آریاتی ذکر بعضهم و تقدم ذکر اخیه السید احمد و کانا معاصرین شیخنا البها و قابل  
 عنده الحدیث انتی کلاسہ اعلی الله مقامہ **مؤلف گوید** کہ جب سید حبیب الله مذکور سید  
 ملقب بسید نور الدین کہ او ہم از فقہای نامدار شیخ ذوی القبار و صاحب تصانیف بسیار و نورا  
 کبار بود و از جمله شیخ و اساتذہ شیخ اعظم شیخ زین الدین الشہید الثانی طاب ثراه بود  
 کما یظهر من کتاب امل آمل و سید حسن مذکور سپر خاتمہ شیخ علی بن عبد العالی کہ کی بود در روایت  
 حدیث ہم از شیخ علی مزبور و اسشته چنانچہ شہید ثانی در اجازہ خود کہ بر سہ شیخ حسین و  
 شیخ بہار الدین عالی تحریر کرده است مذکور ساخته از تصانیف سید حسن موصوفت -  
 کتاب العمدة الجلیة فی الاصول الفقیہ کہ شہید ثانی آنرا ذکر کرک نوح و ۲۳ جہری پیش او  
 خواندہ و کتاب محجة البصا کہ بحث طہارت او در جہل جزو است و کتاب نفع الطلاب و آن  
 کتابت ضخیم در علم نحو و تصرف و معانی و بیان و دیگر کتب ہم دارد میرزا علی رضا بن میرزا  
 حبیب الله الموسوی العالی فاضل عالم و محقق متقن و فقیہ و متکلم جلیل القدر  
 عظیم الشان بود و در شہر اصفهان بنصب شیخ الاسلامی قیام داشت و فاش شد کہ بزرگوار و زود و پیر  
 اتفاق افتاد بکنذانی الآمل میرزا محمد مهدی بن میرزا حبیب الله الموسوی  
 العالی فرزند ارجمند میرزا حبیب الله سابق الذکر است شیخ حرعالمی در امل آمل ذکرین  
 در کتاب مذکور آورده و گفته میرزا محمد محمد بن میرزا حبیب الله الموسوی الکر کے کان  
 عالما فاضلا جلیل القدر عظیم الشان اعتماد الدولہ فی اصفهان انتہی کلاسہ الشیخ محمد بن حسین  
 بن الحسن الموسوی العالی الکر کے برادر میرزا حبیب الله سابق الذکر است و از علماء زمان فقہا

میرزا علی رضا عالی

میرزا محمد علی

شیخ محمد موسوی

در امل



دوران بود کما قال شیخ البحر العالمی فی الامل ما هذا الفظه شیخ محمد بن حسین بن الحسن الموسوی  
 العالمی الکرمی که او میرزا حبیب اللہ السابق کان عالماً فاضلاً طیباً فقیہاً مکن اصغمان از ترقی کلام  
 مولانا السید محمد معصوم بن محمد هندی بن حبیب اللہ الموسوی العالمی الکرمی  
 جدا او میرزا حبیب اللہ عالمی دیورش میرزا مهدی سابق الذکر بود سید مذکور فاضل عالم محقق  
 جلیل القدر بود در بلده اصغمان بنصب شیخ الاسلامی قیام داشت و فاشش در کتب تفسیر  
 و لغت واقع شد کذا فی امل الامل مولانا السید بد الدین بن احمد  
 العالمی الانصاری از لاندہ سولانا شیخ بہار الدین عالمی است عالم محقق و فاضل واقع بود  
 چنانچہ در امل آمل مذکور است کہ سید بدر الدین بن احمد عالمی انصاری در شہر طوس ساکت  
 وارد و از مدرسین انجاست و تیر تصون عالم فاضل و محقق ماہر و فقیہ محدث و عارف با علم  
 و ادیب و شاعر بود پیش شیخ بہار الدین عالمی و غیر ایشان از علماء فرات نموده از تہذیب  
 اوست عاشقہ لطیفہ بر اصول کافی و ہم از افادش حواشی کثیرہ بر احادیث شکرہ است  
 و رجالہ در عمل بخیر واحد کہ در ان استقصا آرد در بیاب فرمودہ و متبع اخبار و احادیث  
 نموده و کتب چیز از قسمی کہ از ان استہلال در باب مذکور لوان کرد و فرنگ گذار شدہ و از جمله  
 اشعار او این چند بیت است اشعار

میرزا محمد معصوم  
 میرزا حسین عالمی

با الیلہ قصص و باتت زینب لو انھا ترضی مشیدی و الهوی و حلولھا دار تہذیبی لا طلت لیلتنا باسوناظر	تجلو بھا علی کون عتاب برضی لقاء من و را حجاب و قضی علیھا رجا بجزاب و سواد عین مع سواد شباب
---	---

و فاشش در بلده طوس در ایامیکہ مدرس آنجا بود اتفاق افتاد شیخ حر عالمی آوردہ کہ سید  
 بدر الدین مذکور از جملہ معاصرین بود و ندیدہ ام من اورا مگر از تلامذہ اور وایت دارم  
 الشیخ ابرہیم بن فخر الدین العالمی البانزوری منسوب بسوی قریہ باورد

شیخ ابرہیم بن فخر الدین